



وی تصریح کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری به چنین الگوهایی از عالمان تربیت‌کننده نیازمندیم؛ عالمانی که با علم خود روشنی می‌بخشند، با اخلاق خود پالایش می‌کنند و با روح و معنویت خویش هدایت‌گر جامعه‌اند. میرزای نائینی در رأس این شخصیت‌ها قرار دارد: عالمی ربانی، فقیهی مجاهد و مری‌ای وارسته. مدیر حوزه‌های علمیه در پایان تأکید کرد: امروز زمینه‌ای گسترده و آمادگی فراوان در سراسر جهان برای پذیرش معارف اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد و این امر مسئولیت بزرگی بر دوش حوزه‌های علمیه می‌گذارد؛ تا سطح خود را با نیازهای روز هماهنگ سازند، اصول اسلام را در جهان گسترش دهند و ریشه‌های حوزه را در سراسر معموره بگسترانند.

ادامه از صفحه قبل
-دوم: نهضت مشروطه، به‌عنوان مشاور ارشد و رهبر فکری در کنار آخوند خراسانی و مراجع نجف.
-سوم: (ثورة العشرين) در عراق، به‌عنوان مشاور، راهنما و مرجع.

نائینی شخصیتی پرنفوذ و اثرگذار بود که نقش برجسته‌ای در مهم‌ترین حوادث، انقلاب‌ها و نهضت‌ها در ایران و عراق ایفا کرد؛ گاهی در کنار میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و گاهی با رهبری مستقیم خود. این تأثیرگذاری نزدیک به نیم قرن ادامه داشت و نمونه‌ای کم‌نظیر در تاریخ بود.

در جوانی، در سامراء، مورد اعتماد میرزای شیرازی بود و مشورت‌هایش در تصمیمات آن عالم بزرگ اثرگذار بود. پس از مهاجرت به نجف، اعتماد آخوند خراسانی را نیز جلب کرد، تا جایی که گفته می‌شد بسیاری از بیانیه‌ها و مواضع سیاسی بزرگان نجف با قلم او تدوین می‌شد. در قیام و انقلاب بیستم عراق علیه استعمار انگلیس، نائینی یکی از رهبران پیشتانز قیام بود، تا آنجا که پس از سرکوب، به همراه دیگر علمای بزرگ مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به قم تبعید شد. خاطراتی که از بیت شریف نائینی به جا مانده، تصویری زنده از محبوبیت او در میان مردم ارائه می‌دهد؛ از جمله اینکه مردم سه ساعت قبل از غروب برای استقبال از نائینی و اصفهانی در کرمانشاه بیرون آمده بودند. در حالی که هنوز جمعیت به شهر نرسیده بود.

این محبت و علاقه مردم ایران و عراق به اسلام، علما و مراجع و پایبندی آنان به شریعت الهی، سرمایه بزرگ ماست. هر آنچه در حوزه‌های علمی موجود است، در حقیقت از این امت است؛ از ملت ایران، عراق و سراسر امت اسلامی.

نائینی بارها در برابر انگلیسی‌ها ایستاد و هرگاه استقلال اسلام و عرت امت در خطر بود، علمای بزرگ نجف، قم و سایر حوزه‌های جهان اسلام، جان و توان خود را سپر دفاع قرار می‌دادند. امروز نیز مراجع عالی‌قدر ما در نجف و قم، سد محکمی در برابر هجوم مستکبران به عراق، ایران و جهان اسلام هستند. در دو سال اخیر و در وقایع پشت سر هم در عراق، شاهد بودیم که چگونه مرجعیت عالی نقش خود را ایفا کرد.

امام (علیه‌السلام) در جایگاه بی‌نظیر خود، پس از هزار سال، مسیر جدیدی را ترسیم کرد. اگر بخواهیم یک سیر تاریخی هزار ساله را مرور کنیم، از جمله مشروطه و حوادث مشابه، می‌بینیم آنچه امام خمینی (علیه‌السلام) با انقلاب اسلامی انجام داد، بی‌نظیر است.

همچنین، نقش علمای بزرگی مانند محقق خراسانی (علیه‌السلام) و محقق نائینی (علیه‌السلام) و برخی دیگر از معاصرین برجسته، در تأکید بر تفکر و آگاهی سیاسی اصیل، و همچنین در نشان دادن جایگاه حوزه علمی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و تبیین اصول حوزه علمی رشید و پیشرو، برخلاف برخی جهت‌گیری‌های گذشته در حوزه‌های علمی و در نجف، کاملاً آشکار است.

محور سوم:

ابعاد اخلاقی و معنوی شخصیت میرزای نائینی

آیت‌الله اعرافی در پایان سخنرانی، بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی شخصیت میرزای نائینی تأکید کرد و گفت: این ویژگی‌های اخلاقی، پایه اصلی تلاش‌های علمی و فکری و سیاسی او را تشکیل می‌داد. ورع، تقوا و زهد او اساس استواری مواضعش و روشنی دیدگاه‌هایش بود.

در نشست تاریخ‌تطور دانش کلام در حوزه علمیه قم در یکصد سال اخیر

معماری صد ساله کلام حوزه علمیه قم بررسی شد

که شامل دعوت از اساتید کلامی خارج از قم بود، صرفاً برای

«ضمانت» بقای بنیان‌های علمی صورت گرفت.

دوره دوم: کنشگری پاسخگو و مقابله با بحران‌های فکری سخنران نشست گفت : در این مرحله، که با زعامت آیت‌الله بروجردی همزمان شد، حوزه قم ماهیت «کنشگرانه» پیدا کرد. این دوره شاهد دو موج بزرگ فکری بود که نیازمند پاسخ‌های عمیق کلامی بودند:

۱. چالش تجدیدنظرطلبی مذهبی: با محوریت دیدگاه‌های کسروی و شریعت سنگلجی، که اوج آن با انتشار کتاب اسرار هزار ساله حکمی‌زاده و پاسخ کوینده امام خمینی (علیه‌السلام) متجلی شد.
۲. چالش مارکسیسم: نفوذ پرزنگ حزب توده نیازمند مقابله نظری جدی بود.

وی خاطرنشان ساخت: واکنش‌ها شامل نقدهای مستدل بر مبانی مارکسیسم و پاسخ‌های نظری به نقد دین بود، هرچند که حوزه در برابر تبلیغات مسیحی فعال‌تر از بابیت و بهائیت برخورد کرد.

دوره سوم: دوران تعیین‌کننده: تولید زیرساخت‌ها (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷)

حجت‌الاسلام والمسلمین سبحانی تأکید کرد: دوره سوم، مقطعی «تعیین‌کننده» در تاریخ کلام حوزه علمیه قم محسوب می‌شود، زیرا زیرساخت‌های فکری برای تبدیل شدن به یک قدرت نظری مهیا شد. این دستاوردها از طریق سه مجرای اصلی

تأکید کرد: نائینی برای هر مسأله اصولی ضابطه،

اصطلاح و چارچوب ویژه‌ای بنیان نهاده و بحث را همانند یک مهندس، از مقدمه تا نتیجه به گونه‌ای کاملاً منسجم پیش برده است.

استاد حوزه علمیه نجف بیان داشت: نمونه‌روشن این روش، مباحث نائینی درباره جریان برائت و استصحاب‌موضوعی دررساله «اللباس‌المشکوک» است؛ جایی که وی با دقتی کم‌نظیر، حدود و ثغور جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه و نیز موارد جریان یا عدم جریان استصحاب را به ضابطه‌ای روشن تبدیل کرده‌است.

نائینی؛ بنیان‌گذار و نظریه‌پرداز، نه صرفاً ناقد

آیت الله خباز شاخص دوم را «روح تأسیس» در آثار نائینی برشمرد و تأکید کرد: برخلاف برخی اصولیون معاصر مانند محقق عراقی ـ که بیشتر



محقق شد.

–بسط نشر: انتشار اولین «نشریات علمی دینی» حوزه؛

–توسعه نهادی: تأسیس مراکزی نظیر مدرسه حقانی و دارالتبلیغ؛

–نهضت ترجمه: پاسخ به گفتمان‌های فکری غرب و جهان اسلام از طریق ترجمه آثار کلیدی (مانند پاسخ به اندیشه‌های اقبال لاهوری و سید قطب).

حجت‌الاسلام والمسلمین سبحانی در این دوره به شخصیت‌های تأثیرگذار کلامی اشاره کرد و گفت: پنج شخصیت محوری؛ علامه طباطبایی، شهید مطهری، حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی (علیه‌السلام)، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی به عنوان موتورهای محرک این تحول فکری شناخته می‌شوند.

دوره چهارم: نهضت بزرگ کلامی و نهادینه‌سازی پس از انقلاب (۱۳۵۷ تا ۱۳۵۷)

حجت‌الاسلام والمسلمین سبحانی این دوره را «نهضت بزرگ

به نقد و تخریب مبانی پرداخته‌اند ـ نائینی غالباً در پی بنا نهادن نظریه، ضابطه و ساختار فکری جدید بوده است. از نوآوری‌های مهم نائینی می‌توان به نظریه خطاب متمم، تقسیمات نو در مفهوم حق و شرط و خيار، تحلیل تازه از مراتب علم و حجیت امارات و تقسیم حکومت به حکومت واقعیه و ظاهریه اشاره کرد. آیت‌الله خباز توضیح داد که در یک استقراء محدود، توانسته ۲۸ مورد از نظریات تأسیسی نائینی را در سه کتاب «اللباس‌المشکوک»، «اجود التفریرات» و «منیة الطالب» شناسایی کند.

عقلانیت تحلیلی و توان واکاوی لایه‌های پنهان مفاهیم

وی شاخص سوم را «عقلانیت تحلیلی» محقق نائینی دانست و گفت: این یعنی قدرت وی بر کشف عناصر بنیادین مفاهیم فقهی و اصولی. نائینی در تحلیل حقیقت اراده، حقیقت ملک، حقیقت حق، تفاوت جوهری میان تعارض و تراحم، و نیز بسیاری از مبانی فقه معاملات، رویکردی عقلی و استدلالی اتخاذ کرده و از سطح ظاهر مفاهیم فراتر رفته است. اینگونه واکاوی‌ها، از قوت نائینی در تشخیص حدود و مدارهای تأثیر یک حکم حکایت دارد.

اتکاب ارتکازات عقلایی؛ نه مبانی فلسفی

آیت‌الله خباز افزود: یکی از نقاط تمایز نائینی با اصولیون پیش از خود، «اتکای شدید بر فهم عرفی و ارتکازات عقلایی» است. نائینی در جای‌جای مباحث، از تحلیل‌های فلسفی فاصله گرفته و تلاش کرده، قواعد اصولی را بر پایه روش عقلایی جامعه سامان دهد. نمونه بارز این رویکرد، تحلیل وی از خطاب قانون‌گذار در قضایای حقیقیه و نیز انکار شرط متأخر است؛ زیرا از منظر عرفی، فعلیت حکم به فعلیت همه قیده‌های موضوع وابسته است. همچنین نظریه او درباره تعاقب ایادی در ضمان و بطلان بیع فرد مردد بر همین بنیان عقلایی استوار است.

ذوق عرفی دقیق و قدرت درک ظرایف ربانی

در شاخص پنجم، آیت‌الله خباز از «حسن سلیقه و سلامت ذوق عرفی» نائینی سخن گفت و بیان داشت: ویژگی‌ای که در فهم ظهورات ادله نقشی اساسی دارد. نائینی در تحلیل علت و حکمت، درک قرآن سیاقی، تشخیص ظهور در عموماًت، و نیز در تعیین ضوابط تشخیص ظهورات، شیوه‌ای کم‌نظیر از خود برجای گذاشته است.

رویکرد کاربردی و امتداد مباحث اصولی در فقه
استاد حوزه علمیه نجف اشرف خاطرنشان کرد: شاخص ششم، «رؤیت هدفمند» نائینی است؛ یعنی تلاش برای گذار از نظریه‌پردازی اصولی به عرصه کاربردهای فقهی. او در بسیاری از مباحث، پس از بیان کبری‌های اصولی، به فروع مبتلایه فقهی پرداخته و ارتباط میان نظریه و عمل را روشن کرده است. مانند: تبیین تفاوت قدرت عقلیه و قدرت شرعیه در بحث ترتب و تراحم، تحلیل شرایط صحت وضو در فرض اشتغال ذمه به انقاد غریق یا ضیق وقت، تبیین فرق میان عهده و ذمه در فقه معاملات و تفسیر نو از «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» و آثار فقهی آن در ضمان.

کلامی» نام‌گذاری کرد و اذعان داشت: این مرحله شامل تأسیس

چند رکن اساسی در نهادینه‌سازی دانش کلام در قم است:

–تدوین درسنامه‌ها: اولین کتاب درسی مدون کلامی در سال ۱۳۶۰ تدوین شد و نیاز به ساختار آموزشی رسمی مرتفع گردید.

–رسمیت‌بخشی به مبانی: توجه گسترده به «روش‌شناسی کلام» و طرح مباحث «معرفت‌شناسی دینی» به عنوان سنگ بنای تحقیقات.

–تأسیس رشته تخصصی کلام: اعلام شد که اولین مدرسه کلامی توسط آیت‌الله جعفر سبحانی تأسیس شد تا آموزش تخصصی کلام را به شکلی آکادمیک دنبال کند.

–توسعه کلام شیعی: تأسیس رشته مستقل «امامت و مهدویت» به عنوان توسعه‌ای در کلام امامیه.

–تکمیل ساختار دانش: راه‌اندازی رشته «تاریخ کلام» برای پر کردن یک خلأ مهم دانشی.

–گسترش به حوزه‌های نوین: ورود رسمی مباحث چالش‌برانگیز «فلسفه دین و کلام جدید» به ساختار آموزشی.

–نظام‌مندسازی رصدادیان: درباره تأسیس و عملکرد رشته‌های «فرق، ادیان و مذاهب» گزارشی مختصر ارائه کردید.

– تاریخ کلام حوزه قم، جریانی درون‌زا است

حجت‌الاسلام والمسلمین سبحانی بر این نکته پافشاری کرد که: تاریخ کلام حوزه علمیه قم، بر خلاف فقه که میراث نجف را احیا کرد، یک «جریان درون‌زا» است که «از صفر» تحول‌آفرینی کرده است.

وی با قاطعیت اظهار داشت: دانش کلام در قم به «قله‌ای» دست یافته است که در سایر مراکز تشیع و حتی بسیاری از مراکز علمی غیرشیعی، نمونه‌ای ندارد، و این دستاورد «نویدبخش نزدیکی به عصر طلایی کلام» مشابه دوران اوج علمی کلام در بغداد و حله است.